

شناخت رابطه بین سلامت و نشاط اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان:

مورد مطالعه شهر کرمانشاه

محسن صفاریان^۱، عبدالرضا ادهمی^۲، علی مرادی^۳

چکیده

امروزه در محیط‌های کلانشهری، پدیده‌ای مانند بی‌تفاوتی اجتماعی، بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی است. از منظر آسیب‌شناختی، بی‌تفاوتی در بین شهروندان نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود که از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن کلانشهرها بوده و با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه‌ی ملی منجر می‌شود. هدف اصلی این مطالعه شناخت رابطه بین سلامت و نشاط اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان شهر کرمانشاه است. این مطالعه با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر کرمانشاه هستند. که در زمان پژوهش (۱۳۹۶)، تعداد آنها برابر ۴۲۰۱۷ نفر بود. با توجه به حجم زیاد جامعه‌ی آماری و جهت تسریع در گردآوری و تحلیل یافته‌ها، همچنین صحت و دقت لازم، تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه قرار گرفتند. از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، آزمون t و آزمون تحلیل واریانس برای بررسی فرضیه‌ها و برای سنجش مدل پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

mfsafarian@gmail.com

^۲ - دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

adhamiab@yahoo.com

^۳ - دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب

moradi.pop@gmail.com

بین متغیرهای سلامت اجتماعی (۰/۱۳۶-) و نشاط اجتماعی (۰/۱۱۴-) با متغیر وابسته (بی تفاوتی اجتماعی) رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که دو متغیر سلامت اجتماعی (Beta= ۰/۱۲) و نشاط اجتماعی (Beta= ۰/۱۲) با مقادیر T برای سلامت اجتماعی (T= -۴/۰۹) با ضریب معناداری (Sig.T= ۰/۰۰۰) و نشاط اجتماعی با مقدار T برابر (T= ۳/۳۰۱) و معناداری (Sig.T= ۰/۰۰۱) بر روی متغیر وابسته تأثیر معناداری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: بی تفاوتی اجتماعی، نشاط اجتماعی، جوانان، سلامت اجتماعی.

بیان مسأله

بی تفاوتی اجتماعی^۱ به معنای بی‌علاقگی، دلمردگی، بی‌عاطفگی و بی‌احساسی، حالتی است که فرد به طور آگاهانه نسبت به مسائل محیطی، انسانی و هیجانی حیات اجتماعی خود، دچار بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی می‌گردد. در سال‌های اخیر بی‌تفاوتی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی تلقی شده و موضوعی است که مورد بحث در بسیاری از محافل اجتماعی و سیاسی بوده و توجه به آن در اکثر حوزه‌های علوم انسانی عمومیت پیدا کرده است. بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن در کلانشهرهاست که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه شهروندان در زندگی شهری معاصر نموده یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه‌ی ملی منجر می‌شود. جامعه‌شناسان شهری مانند زیمل^۲، پارک^۳ و تونیس^۴ (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲) عواملی همچون رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه‌ی ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگسیخته‌ی جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، رشد ارتباطات موزاییکی، عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادات مذهبی، سکولاریسم و از بین رفتن هویت‌های

1. Social Apathy

2. Simmel

3. Park

4. Tonies

گروهی و محلی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز بی تفاوتی شهروندان در کلانشهرها برشمرده و معتقدند جوامع شهری امروز دوره‌ای از بحران و بی تفاوتی در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. همان‌طور که مشارکت وسیع شهروندان در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی شرط مهم توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، پس عدم مشارکت شهروندان و شیوع بی‌تفاوتی نیز یک عامل قوی در توسعه‌نیافتگی است (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۳: ۷۸-۵۹).

امروزه روالی که به صورت روزانه از آن‌ها پیروی می‌کنیم، ثابت نیست و بنا به شرایطی که در آن قرار می‌گیریم، تفاوت و نوسان پیدا می‌کند. این روال‌های روزمره تحت تأثیر عواملی قرار می‌گیرند که شدت آن‌ها کم و زیاد می‌شود؛ به نحوی که طیف زیادی از شهروندان نسبت به همدیگر، نسبت به واقعیت‌هایی که در اطرافشان می‌گذرد و حتی نسبت به مسئولیت خود بی‌تفاوت و بیگانه می‌شوند. بی‌تفاوتی اجتماعی با شاخص‌هایی مانند کناره‌گیری مدنی و سهم‌نشدن در مسائل و موضوعات زندگی اجتماعی، دلسردی، تفکیک عامدانه منافع شخصی از خواسته‌های عمومی و عام‌المنفعه، بی‌اعتنایی نسبت به رخداد‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شود (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۳). در حال که نگرش‌های اخلاقی نسل‌های آینده با ایجاد توازن بین منافع خود و دیگران مرتبط است و رشد اخلاقی جامعه در گذر از خودخواهی به دگرخواهی و درک صحیح شهروندی معنی می‌شود، در مورد جوانان ایرانی نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تلقی «عمودی از روابط و موقعیت شهروندی، ناآشنایی با حقوق اجتماعی و فرهنگی و نداشتن انتخاب در بازآفرینی مدل رفتاری مرجع جوانان، در تقویت انفعال و احساس حاشیه‌نشینی اجتماعی آن‌ها مؤثر است (ذکایی، ۱۳۸۲: ۷).

از دیدگاه صاحب‌نظران علوم اجتماعی بی‌تفاوتی این‌گونه تعریف می‌شود: نوعی احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه (نهاده‌ها و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده و مذهب و...) (نوابخش و میرزاپوری، ۱۳۹۴: ۵۵)؛ اما از آنجا که مسأله‌ی بی‌تفاوتی هم در بعد اجتماعی و هم فردی و روانی اعضای جامعه نقش دارد، به عقیده‌ی بسیاری می‌توان آن را مبحثی میان‌رشته‌ای تعریف

کرد و از جنبه‌های مختلف هم اجتماعی و هم روانی قرارداد (پیکرینگ و لمبرت^۱، ۲۰۰۱: ۲۲۱). تئوری‌های مطرح‌شده در حوزه‌ی روانشناسی اجتماعی هر یک می‌توانند به نوعی تبیین‌کننده‌ی این موضوع باشند.

بی تفاوتی اجتماعی: بی تفاوتی اجتماعی در کلانشهرها وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هم‌نوعان، مناسبات اجتماعی شهر، وضعیت سیاسی و فرهنگی و شرایط موجود و آینده‌ی زندگی شهری دچار بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی می‌شوند. امروزه در کلانشهرهای چند فرهنگ، شاهد نوعی نگرش دوگانه‌ی "ما" و "آن‌هایی" هستیم و شخصیت اجتماعی آن‌ها براساس چرا و چه کسی تعریف نشده بلکه تنها با این واقعیت که او یکی از "ما" نیست، به وجود آمده است که این شکل قوم‌مداری فرهنگی در زندگی شهری، بر دیگری تمرکز دارد و همین نگرش درک شهروندان را منحرف کرده و نوعی بی تفاوتی را در زندگی شهری پدید آورده است و چنانچه گال^۲ (۲۰۰۴) مطرح می‌کند، تهدیدی برای هویت ملی در کلانشهرها بوده و پیکرینگ و لمبرت (۲۰۰۱) از آن با عنوان نوعی انحراف نژادی نام می‌برند. این تقسیم دوتایی همچنین یک احساس مشترک در میان کسانی است که «ما» در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که به طور هم‌زمان گروهی را که در نظر گرفته شده به عنوان «آن‌ها» را حذف می‌کنند (پیکرینگ و لمبرت^۳، ۲۰۰۱). ساختار دوگانه‌ای که توسط پیکرینگ (۲۰۰۱) معرفی شده است، نگرانی در میان مردم از طریق عدم تطابق و انعطاف‌پذیری خود افزایش می‌دهند. بی تفاوتی، فقط به موضوعات نوع دوستانه و دگرخواهانه محدود نمی‌شود؛ بلکه گستره وسیعی از کنش‌های مرتبط با خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. چنین گستره‌ای می‌تواند شامل بی تفاوتی مردم به انواعی از موضوعات و مسائلی نظیر بی‌عدالتی، نابرابری، حقوق ضعیف، کودکان کار، بیکاری، تورم، رکود، گران‌فروشی، زورگویی، فساد اداری، منافع آیدگان، میراث فرهنگی و عضویت در گروه‌های سیاسی اجتماعی گردد (میرزا پوری، ۱۳۹۵: ۱۷).

^۱ . Pickering & Lambert

^۲ . Gale

^۳ . Pickering & Lambert

سلامت اجتماعی: سلامت اجتماعی حاصل تعامل دوطرفه‌ی فرد با جامعه پیرامونش است؛ به این معنا که جامعه به فرد حمایت اجتماعی می‌دهد و از طرفی فرد به جامعه عملکرد اجتماعی می‌دهد (صفاری نیا، ۱۳۹۴: ۳۷۷). گلد اسمیت^۱ شاخص‌های سلامت اجتماعی را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سلامت هر کشوری معرفی می‌کند و سلامت اجتماعی را «ارزیابی رفتارهای معنی‌دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران» تعریف می‌نماید (لارسون^۲، ۱۹۹۸: ۲۸۵). سلامت اجتماعی اغلب به عنوان ارتباط با شرایط اجتماعی بیرون از شخص مثل پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی، شرایط زندگی و به طور گسترده تأثیر منطقه‌ای که آنها در آن زندگی می‌کنند و حتی کشور محل اقامتشان در نظر گرفته شده است (نیک ورز و یزدان پناه، ۱۳۹۴: ۱۱۱). از نظر دورکیم هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه به گونه‌ای که افراد در چارچوب‌های اجتماعی جذب نگردند زمینه‌ای آنومیک و مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی است. در چنین حالتی یک نوع فردگرایی افراطی خواسته‌های فرد را در مقابل حیات اجتماعی قرار می‌دهد. از نظر وی هر نوع ورطه یا فاصله بین فرد و جامعه که به عدم ادغام افراد در چارچوب‌های اجتماعی می‌انجامد، به انحرافات اجتماعی میدان می‌دهد (سام‌آرام، ۱۳۸۸: ۱۶). از جمله اندیشمندانی که در حوزه‌ی سلامت اجتماعی مطالعات زیادی داشته‌اند، کیز^۳ است که سلامت اجتماعی را در ارتباط سازنده با جامعه در نظر می‌گیرد. وی بر این اساس مدل پنج عاملی خویش را مطرح می‌کند که در آن پنج عامل انسجام، پذیرش، شکوفایی، مشارکت و انطباق اجتماعی شاخص‌های سلامت را تشکیل می‌دهند (کیز، ۲۰۰۴). کیز بعد سلامت روانی و اجتماعی را نشانه‌ی کارکرد مثبت می‌خواند و می‌گوید اگر فرد شرایط دو بعد سلامت احساسی (احساس خوب و رضایت از زندگی) و بعد کارکرد مثبت را داشته باشد، از سلامت روانی برخوردار است. کیز نبود سلامت روانی را پژمردگی می‌خواند. افراد پژمرده، احساس خوبی به زندگی ندارند و کارکرد روانی و اجتماعی‌شان مشکل دارد. این افراد دچار یاس و نومیدی بوده و زندگی خود را پوچ و خالی می‌بینند. این وضعیت با افسردگی تفاوت دارد.

^۱ . Goldsmith

^۲ . Larson

^۳ . Keyes

نشاط اجتماعی یا شادمانی: نشاط اجتماعی یا شادمانی به عنوان یک پیامد مهم در احساس رضایت شغلی و خوشبختی انسان مطرح است که نه تنها زندگی شخصی بلکه جنبه‌های اجتماعی حیات ما یعنی کنش‌ها و ارتباطاتی را که با دیگران برقرار می‌کنیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). نشاط اجتماعی دارای آثاری چند بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در کلانشهرهاست که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وفاق اجتماعی، ارتقاء شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی، افزایش رضایت از زندگی یا رضایت شغلی، پویایی اجتماعی، کاهش هزینه‌های مردم، افزایش امید در جامعه، زندگی متعادل و باثبات، ارتقاء کیفیت زندگی، افزایش خلاقیت و نوآوری، کاهش آسیب‌های اجتماعی خصوصاً در جوانان. مهم‌ترین هدف زندگی هر انسانی رسیدن به شادی است. پذیرش فرهنگ شادی ضروری‌ترین عامل تغییر نگرش به جوانان است (طریقه دار، ۱۳۷۹: ۱۱) زیرا شادی به عنوان نتیجه و پیامد شرایط مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، فعالیت‌های مفید انسانی را برمی‌انگیزد. شادی و نشاط احساس نزدیکی به دیگران، احساس دوست داشتن، احساس اعتماد و کیفیت تعامل با دیگران را موجب می‌شود (آگارذیل، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

شهرنشینی یکی از علل شکل‌گیری بی‌تفاوتی در زندگی اجتماعی شهروندان شده است. تغییر در نوع روابط اجتماعی، تغییر خرده‌فرهنگ‌ها، فردگرایی، کاهش مهربانی اجتماعی در سطح جامعه، کاهش مدارای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی و افزایش مشکلات زندگی که به ضعیف شدن ارتباطات منجر شده است، همگی دست به دست هم داده‌اند تا «بی‌تفاوتی» هر چه پررنگ‌تر در جامعه نمود و بروز پیدا کند. این مسأله به پویایی، سلامت و نشاط جامعه صدمه وارد می‌کند؛ زیرا قشر جوان، سرمایه‌های آینده و آینده‌سازان جامعه هستند در صورت بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی و خانواده، کنش‌های سیاسی، تعیین سرنوشت خود و همچنین حقوق خود و هم‌نوعانشان ممکن است جامعه دچار رخوت و سستی شود، بی‌نظمی‌های فراوان در آن رخ دهد و در نهایت بقای جامعه مورد تهدید واقع شود. بر این اساس این مطالعه سعی دارد تأثیر نشاط اجتماعی و سلامت اجتماعی را در کلان‌شهر کرمانشاه با تأکید بر جوانان

با بی تفاوتی آن‌ها مورد سنجش و بررسی قرار دهد. کلانشهر کرمانشاه از گروه‌های مختلف قومی و قبیله‌ای تشکیل شده است و به جامعه‌ای چندفرهنگی تبدیل شده است؛ به نحوی که در آن کردها، ترک‌ها، لک‌ها و لرها، فارس‌ها و سایر اقلیت‌های قومی در کنار هم زندگی می‌کنند. مطالعه‌ی مناسبات شهری این گروه‌های شهری با ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی متفاوت می‌تواند در چگونگی وضعیت زندگی و کیفیت روانی و سازگاری آن‌ها با هم مسیرهای منظم و منسجمی را تعریف نماید که نسبت به امورات جاری زندگی مسؤول بوده و شرکت اجتماعی داشته باشند. بنابراین سؤال و هدف اصلی پژوهش حاضر این است که بین نشاط اجتماعی و سلامت اجتماعی با بی تفاوتی جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله در شهر کرمانشاه چه ارتباطی وجود دارد؟ اهداف ویژه به شرح زیر است:

شناخت رابطه بین میزان سلامت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان

شناخت رابطه بین میزان نشاط اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان

شناخت تأثیر متغیرهای جمعیتی (سن، میزان تحصیلات، محل سکونت، مدت زمان سکونت) بر بی تفاوتی اجتماعی

ادبیات نظری پژوهش

دیدگاه وینهون و بی تفاوتی اجتماعی: وینهون نشاط را در سطح کلان به کیفیت جامعه، یعنی عواملی همچون سلامتی، عدالت و آزادی وابسته می‌داند و از این رو معتقد است سیاست اجتماعی می‌تواند ارتقادهنده این شرایط باشد. در سطح خرد نشاط وابسته به توانایی‌های شخصی مانند کارآمدی، استقلال و مهارت‌های اجتماعی (که بخشی از سلامت اجتماعی هستند) است که تحصیلات و درمان می‌تواند ارتقادهنده این مهارت‌ها باشد. وینهون دریافت که موقعیت اجتماعی در شادی افراد تأثیر دارد. اطلاعات نشان می‌دهد که شادی به بخت و بدبختی حساس است. به طوری که مردمی که در موقعیت بد قرار دارند، گرایش دارند که خود را بی‌نشاط تر از مردمی که در موقعیت خوب هستند نشان دهند و مردمی که موقعیتشان بهبود یافته، تمایل دارند که خود را بسیار خوشحال نشان دهند و آن‌هایی که موقعیتشان بدتر شده تمایل به بی‌نشاط

بودن دارند. پس شادی یک رفتار تغییرناپذیر نیست و از سوی دیگر، عوامل شخصیتی هم بر نشاط افراد تأثیرگذارند. خلق می‌تواند هم بر سطح شادی مطلق و هم شادی نسبی تأثیر بگذارد و فرد را قطع نظر از کیفیت واقعی زندگی‌اش، به یک ارزیابی معین از زندگی متمایل کند. از نظر وینهون، یک جامعه خوب، بهترین جامعه قابل زندگی است و قابلیت زندگی جامعه، در شادی و سلامت اجتماعی اعضای آن نمایان می‌شود (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵).

مازلو و بی تفاوتی اجتماعی: از نظر مازلو، موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی موجب برآورده شدن یا نشدن نیازها می‌شود و این به نوبه‌ی خود، موجب نگرش‌ها و رفتارهای خاصی در فرد می‌گردد؛ از این رو، می‌توان گفت که برآورده شدن یا نشدن نیازها، حلقه‌ی رابط فرد با ساختار اجتماعی است. مازلو در این باره می‌گوید: «نیازهای ابتدایی بشر فقط می‌تواند به دست سایر افراد بشر؛ یعنی جامعه و از طریق آنان ارضا گردد» (مازلو^۱، ۱۳۸۱: ۴۵۲). نظریه‌ی مازلو می‌تواند در تعیین شاخص‌های مؤثر بر نشاط کمک مهمی بکند. این نیازها در هر مرحله‌ی زمانی تحقق می‌یابند که در مرحله‌ی قبل نیازها برآورده شده باشند. وی دید خوش‌بینانه‌ای نسبت به ماهیت انسان دارد. او معتقد است که انسان استعداد فطری برای امیدواری، شادمانی، مهربانی و محبت دارد. با این حال، این ویژگی‌ها باید توسط محیط و جامعه پرورش یابند. مازلو هدف و آرمان اصلی انسان را تقلای وی برای خودشکوفایی می‌داند (اخشی و گلابی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). بر اساس دیدگاه مازلو، افرادی که نیازهای اساسی‌شان تأمین نمی‌شود، در رأس سلسله مراتب نیازها، به جای خودشکوفایی، دچار از خودبیگانگی و بی تفاوتی می‌شوند. از آنجا که حس معنا و تعامل اجتماعی، در گروه و در ارتباط با دیگران تأمین می‌شود، عدم برآورده شدن نیازها، منجر به احساس سرخوردگی و انزوای اجتماعی می‌شود.

دیدگاه آبرل و بی تفاوتی: آبرل^۲ معتقد است در هر جامعه برخی شرایط بنیادین وجود دارد که در صورت عدم وجود آن‌ها، جامعه به شدت دچار اختلال خواهد شد؛ یکی از مهم‌ترین این عوامل، این است که جمعیت یک جامعه بی تفاوت شود و این برای آن

^۱ . Maslow

^۲ . Eberl

جامعه تهدیدی جدی به شمار می‌رود تا آنجا که همه‌ی ساختارها را تحت تأثیر قرار خواهد داد (ریترز^۱، ۱۳۷۴). آبرال، بی تفاوتی را موجب اختلالات شدید در جامعه و خطری جدی برای ساختارها می‌پندارد (ریترز، ۱۳۷۴:۱۲۷). طبق این دیدگاه نظری، بی تفاوتی اجتماعی می‌تواند در اثر یادگیری اجتماعی افراد به صورتی همه‌گیر درونی شود و مخاطرات بسیاری را برای جامعه در پی داشته باشد بنابراین پویایی جمعیت و سرزندگی و شادمانی جمعیت می‌تواند زمینه‌های کاهش از خودبیگانگی، سرخوردگی اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی گردد و از طرفی باعث افزایش حس همبستگی و انسجام اجتماعی گردد.

دیدگاه ریچارد استرلین^۲ و بی تفاوتی: استرلین تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی تفاوتی ارائه کرده و معتقد است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی تفاوتی سیاسی تا اندازه‌ای تابعی از تغییرپذیری نسلی در زمینه‌ی بهزیستی و رفاه اقتصادی است (مسعودنیا، ۱۳۸۰). دیدگاه نظری استرلین در تبیین مسأله به بی تفاوتی اجتماعی قائل به این است که افراد در طی فرآیند اجتماعی شدن به دلیل ناتوانی و ناکامی در رقابت‌ها و دستیابی به آرزوهای اقتصادی دچار سرخوردگی در امورات اقتصادی و اجتماعی از جمله بی تفاوتی می‌شوند (مسعودنیا ۱۳۸۰، ۱۶۱). استرلین معتقد است گروه‌های سنی بالاتر، به دلیل تجربه‌ی سرخوردگی بیشتر نسبت نسل‌های جوان، دچار بی تفاوتی اجتماعی بالاتری هستند. این رویکرد معتقد است که افراد به دلیل رقابت و سرخوردگی در مراحل مختلف زندگی مانند خانواده، مدرسه، بازار کار و دیگر موقعیت‌های اجتماعی، دچار ناتوانی در غلبه بر آرزوهای پیشین و در نهایت، سبب شکل‌گیری انواعی از آسیب‌های اجتماعی همچون بی تفاوتی می‌شوند (مسعودنیا، ۱۳۸۰:۱۶۱).

دیدگاه یادگیری اجتماعی و بی تفاوتی: نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، نوع دوستی و بی تفاوتی را بر حسب یادگیری‌های گذشته افراد تبیین می‌کنند و توجه عمده‌ی آنان بر تأثیر الگو بر بروز نوع دوستی و بی تفاوتی است. به تعبیر دیگر رفتار کنونی، متأثر از تقویت‌های گذشته است. در هر موقعیتی، شخصی رفتارهای معینی را می‌آموزد که بر اثر

^۱ . Ritzer

^۲ . Richard Easterlin

تکرار ممکن است به صورت عادت درآیند. وقتی شخص، دوباره در آن موقعیت قرار بگیرد سعی خواهد کرد همان رفتار عادت شده را تکرار کند (کریمی، ۱۳۸۶). از نگاه اندیشمندان نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، نوع دوستی، ریشه در یادگیری گذشته دارد و فرآیندهای پاداش - تنبیه و نیز مشاهده‌ی الگو بر بروز رفتار نوع‌دوستانه تأثیر می‌گذارند (احمدی، ۱۳۸۸-۱۰۸). بر اساس این دیدگاه نظری، فرایند جامعه‌پذیری افراد در خانواده‌ها، مدارس، گروه‌های همسالان و از همه مهم‌تر رسانه‌های اجتماعی می‌تواند حس تعاملات اجتماعی و همبستگی را افزایش و باعث کاهش از خودبیگانگی در افراد شود.

دیدگاه مبادله و بی‌تفاوتی: برخی نظریه‌پردازان در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند، رفتارهای نوع‌دوستانه، ریشه در میزان درونی‌سازی هنجارهای تعامل پایایی، برابری و مسئولیت اجتماعی دارد (احمدی، ۱۳۸۸). تعامل پایایی یک هنجار اجتماعی و یک قاعده‌ی جهانی است که می‌تواند برانگیزاننده‌ی نوع دوستی باشد. بر اساس این هنجار، محبت را باید با محبت، باز پس داد؛ به تعبیر دیگر، باید به کسانی که به ما کمک کرده‌اند کمک کنیم و اگر می‌خواهیم دیگران به ما کمک کنند باید در حق آن‌ها محبت کنیم. هنجار برابری، قاعده‌ای است که بر اساس آن باید در یک رابطه اجتماعی، معادل با آنچه هزینه کرده‌ایم منفعت کسب کنیم (احمدی، ۱۳۸۸). در قالب این هنجار، به کسانی که برای جامعه زحمت کشیده‌اند اما منفعت مناسبی دریافت نکرده‌اند، کمک می‌کنیم و به کسانی که خودشان مسئول گرفتاری خودشان هستند کمک نمی‌کنیم (احمدی، ۱۳۸۸). نظریه‌پردازان مبادله‌ی رعایت هنجارها و قواعد گروهی را برای به دست آوردن پاداش، تعهد می‌نامند. نظریه‌ی مبادله بر این فرض استوار است که افراد آرزوها و اهداف شخصی روشنی برای خود دارند. هر کس به چیزهایی خاص نیازمند است، اما برای همه‌ی افراد این نیازها مشترک نیستند.

دیدگاه هومنز^۱ و بی‌تفاوتی: طبق نظر هومنز، شرط احساس مسئولیت افراد هر جامعه‌ای نسبت به جامعه و مشارکت در فعالیت‌های جمعی به میزان پاداشی برمی‌گردد که افراد از رفتار خود دریافت کرده باشند. اگر مشارکت و یا احساس مسئولیت یک‌جانبه باشد و

^۱ . Homans

فقط از سوی افراد جامعه باشد و جامعه‌ی خود را مقید و ملزم به برآورده کردن خواسته و نیازهای مادی و معنوی افراد آن جامعه نکند مسلماً تمایل مردم هم برای انجام رفتارهای داوطلبانه کمتر شده و کم‌کم به خاموشی می‌گراید؛ بنابراین بی تفاوتی اجتماعی یک جاده‌ی یک‌طرفه نیست که ما از افراد جامعه انتظار مسؤلیت‌پذیری و درگیری در مسائل جامعه داشته باشیم. جامعه نیز باید به نوبه‌ی خود محرک لازم برای درگیر شدن افراد در رفتارهای نوع‌دوستانه را فراهم کند. در چارچوب نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی، هومنز رفتارهای اجتماعی را به عنوان یک تبادل دوطرفه بین افراد می‌داند که ممکن است نتیجه‌ی مثبت یا پاداش و یا نتیجه منفی به دنبال داشته باشند. او در این رابطه چند قضیه را از جمله قضیه‌ی موفقیت، انگیزه، ارزش، محرومیت- سیری و قضیه پرخاش - تأیید مطرح می‌کند (توسلی، ۱۳۸۸).

دیدگاه هابرماس^۱ و بی تفاوتی: هابرماس نیز حوزه‌ی عمومی را یکی از مقوله‌های جهان مدرن؛ یعنی جامعه‌ی بورژوازی می‌داند. او استدلال می‌کند که حوزه‌ی عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی برای مبادله‌ی معانی بین افراد و گروه‌ها از کنش ارتباطی استفاده می‌کنند. حوزه‌ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه‌ی خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب^۲، ۱۳۷۸: ۲۶). منظور هابرماس بر اساس امکانات و تسهیلات وجود سازمان‌ها، انجمن‌ها و مجامع مدنی است؛ زیرا اینگونه سازمان‌ها مهم‌ترین ابزار واسطه‌ای میان دولت و افراد جامعه هستند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند؛ زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکان‌پذیر است (رضایی، ۱۳۷۴: ۶۲). از دیدگاه هابرماس چنین استنباط می‌شود که تسلط نظام اجتماعی و ساختارهای رسمی حکومتی در در جهان نوین منجر به شکل‌گیری نوعی عقلانیت صوری بر عقلانیت ارزشی در بین شهروندان می‌شود؛ بنابراین تعاملات روزمره و کنش‌های ارتباطی شهروندان و ارتباط انسانی را فقیرتر، تکه‌پاره‌تر و منجمدتر می‌کند و

^۱ . Habermas

^۲ . Holub

در نهایت، موجب از هم پاشیدن حوزه‌ی عمومی و زیست جهان آدمها می‌شود که پیامد آن می‌تواند نوعی بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی افراد در ارتباطات و تعاملات روزمره مردم شود.

آنتونی گیدنز^۱: در اندیشه‌ی گیدنز، محیط‌های شهری در اواخر قرن بیستم به یک محیط ساخته شده تصنعی تبدیل شده است که بیگانگی و بی‌تفاوتی را در خود پرورش داده است. در این کلانشهرها اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و سپردن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، دگرذیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه‌ی ناب از جمله مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده نشاط و شادمانی هستند؛ اما آن بعد از اندیشه‌ی گیدنز که در اینجا بیشتر مد نظر قرار دارد، دیدگاه‌های وی در خصوص اعتماد و امنیت هستی‌شناختی است (گیدنز، ۱۳۸۰). با پیدایش جامعه‌ی مدرن این محیط‌ها به نحوی اساسی دگرگون شده‌اند، چرا که ساختار اساسی سرمایه‌داری، از چندین نظام انتزاعی تشکیل شده است که لازمه‌ی عملکرد و کارایی آن‌ها اعتماد عاملان است. در ارتباط با دیدگاه گیدنز می‌توان گفت که تغییرات متعدد در زمینه‌های مختلف در دهه‌های گذشته موجب تضعیف زمینه‌های محلی و سنتی اعتماد شده‌اند. از طرفی، جایگزین‌های مناسبی برای این زمینه‌ها به وجود نیامده است و نهادهای حمایتی شکل نگرفته و یا بسیار ضعیف هستند. به عنوان مثال ساختارهای خویشاوندی در ایران در حال تضعیف شدن است یعنی زمینه‌های محلی و سنتی اعتماد در حال تضعیف شدن هستند و جایگزین‌های مناسبی نیز برای آن‌ها شکل نگرفته است. این مسأله می‌تواند موجب کاهش میزان نشاط اجتماعی و افزایش بی‌تفاوتی شود (هزار جریبی و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۳).

پیشینه‌ی پژوهش

علمدار و همکاران (۱۳۹۷) مطالعه‌ای با عنوان "فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان" انجام دادند. براین اساس، انسان‌ها در زندگی روزمره دائماً در معرض انتخاب‌های گوناگون قرار می‌گیرند و باید در خصوص کنش‌ها و واکنش‌های شان تصمیم‌گیری کنند و روابطشان را با دیگران سامان دهند. بر اساس یافته‌ها، در نسبت با

^۱ . Anthony Giddens

دو حوزه تقابل نمادین اصلی (برابری-نابرابری) و (صمیمیت-غریبگی) که در فرایند تعاملی ایرانیان وجود دارد، شش نوع موقعیت اجتماعی برای خلق بی تفاوتی اجتماعی قابل شناسایی است.

نوابخش و میرزاپوری ولوکلا (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل) نشان دادند که بی‌تفاوتی اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است، همچنین با افزایش سن و درآمد از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود. میان متغیر بی‌هنجاری و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد، به طوری که با افزایش (کاهش) بی‌هنجاری، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش (کاهش) می‌یابد.

مجیدی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج» نشان دادند که بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه‌ی معنادار و مستقیم و بین متغیرهای اثربخشی، اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه‌ی معنادار و معکوسی وجود دارد.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه‌ی شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن» نشان دادند اولاً در مواجهه با حالت‌های اضطراری ۷۵/۳ درصد از شهروندان، نوع‌دوست و ۲۴/۷ درصد بی‌تفاوت‌اند. به علاوه گروه نوع‌دوست در مقایسه با گروه بی‌تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسؤلیت‌پذیری بیشتر و تحلیل هزینه - پاداش کمتر هستند. بنا بر یافته‌های این پژوهش و در نظر گرفتن مطالعات پیشین، نشان داده شد که با افزایش همدلی، افزایش مسؤلیت‌پذیری و کاهش هزینه‌ی پاداش مادی در بین شهروندان می‌توان نوع‌دوستی را افزایش و بی‌تفاوتی را کاهش داد.

مسعودنیا (۱۳۸۰) در پژوهشی اسنادی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی» به کاوشی نظری در مطالعه این مفهوم پرداخته است. وی بی‌تفاوتی اجتماعی را به عنوان عدم شرکت فعال و عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی تعریف کرده و بیان داشته که بی‌تفاوتی اجتماعی اگرچه

پدیده‌ای جدید تلقی نمی‌شود ولی به نظر می‌رسد که با تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در عصر جدید، به طور چشم‌گیری افزایش یافته باشد. وی با بررسی آراء و نظریات مرتبط، تبیین خاص هر یک از نظریه‌پردازان را در مورد موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی مطرح کرده است که هر کدام اشاره به متغیری ویژه در رویکرد خود داشته‌اند. همچنین ایشان متغیرهای روان‌شناختی عزت نفس و احساس اعتماد را نیز بر بی‌تفاوتی اجتماعی اثرگذار می‌دانند.

اخشی و گلابی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان "مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل" انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. در ابعاد مشارکت اجتماعی، روحیه‌ی مشارکتی و در ابعاد نشاط اجتماعی بعد رضایت از خود بیش‌ترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص می‌دهند. میزان نشاط اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن دارای همبستگی مستقیم معنادار بود؛ ولی مشارکت و نشاط اجتماعی بر اساس جنس، وضعیت تأهل دانشجویان معنادار نبودند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی با نشاط‌تر بوده و دانشجویان فنی در بین دانشجویان مورد مطالعه از کمترین میزان نشاط برخوردار بودند.

جسیکا و لیندسی^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان انزوای اجتماعی و تنهایی در زندگی بعدی A: متد ترکیبی موازی همگرا در مورد بزرگسال و مناطق مسکونیشان در ناحیه‌ی شهری میناپالیس در ایالات متحده آمریکا نشان دادند که انزوای اجتماعی و تنهایی در میان بزرگسالان مسن‌تر در ایالات متحده، با پیامدهای گسترده و خطر مرگ و میر به همراه است. نتایج کمی نشان داد که بزرگسالان آمریکایی، کسانی که دارای وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتری بودند، کسانی که تنها زندگی نمی‌کردند و آن‌هایی که به مرکز شهر نزدیک‌تر بودند، احتمال کمتری داشتند که احساس منزوی بودن و تنهایی کنند.

¹. Jessica and Lindsay

رابین و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه ای با عنوان پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در سیستم اجتماعی، شناسایی شهر و ارزیابی در شهرهای استرالیا، فرانسه و ترکیه از سال ۱۶۶۰ ساکنان چهار شهر را در سه کشور نمونه‌برداری کردند. نتایج نشان داد که در هر نمونه شهر و در میان نمونه‌های ترکیبی، یک معیار خاص از جمع‌گرایی به عنوان یک پنداشت درونی وابسته به ارزیابی شهر است. به علاوه، شناسایی شهر رابطه بین پنداشت متقابل گروهی و ارزیابی شهر را میانجی‌گری می‌کند. این نتایج نشان می‌دهند که گرایش کلی مردم به تفسیر گروه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از خود آن‌ها، شناسایی آن‌ها را با شهر خود پیش‌بینی می‌کند که به نوبه‌ی خود به توضیح ارزیابی مثبت خود از شهر کمک می‌کند. این نتایج از دیدگاه روانشناسی محیطی و روانشناسی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

مورتی و پانب^۲ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «بی تفاوتی نسبت به مسائل محیط زیست، خودشیفتگی و دیدگاه رقابتی جهان» انجام دادند. این مطالعه بر روی ۲۲۵ دانشجوی دانشگاهی (۱۳۸ مرد، ۸۷ زن) از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از چندین رشته دانشگاهی در جاکارتا، اندونزی گرفته شده است. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که خودشیفتگی می‌تواند به طور غیرمستقیم با توجه به دیدگاه رقابتی جهان، بی‌نظمی را نسبت به محیط زیست پیش‌بینی کند.

اویشی و همکاران^۳ (۲۰۱۰) مطالعه‌ای با عنوان «فرهنگ، ادراکات میان فردی و شادی در تعاملات اجتماعی» انجام دادند، که نشان داد تأکید بر جنبه‌های مهم شخصیت فرد، منجر به شادی وی می‌شود و تفاوت‌های فرهنگی در جنبه‌های مختلف شخصیت، پدیدار می‌گردد.

زانگ و چن^۴ (۱۹۹۹)، در پژوهشی با عنوان بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن، عوامل مؤثر بر آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج رابطه معناداری را میان این متغیرها و متغیر وابسته نشان می‌دهد. بی‌تفاوتی سیاسی با بهره‌گیری از شاخص‌هایی همچون میزان علاقه

1. Rubin et al.

2. Murty and Paneb

3. Oishi et al.

4. Zhong & Chen

به مباحث سیاسی، توجه کردن به مسائل ملی و تمرکز و توجه به مسائل شهری سنجیده می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس دو دیدگاه زیمل و کیز انجام گرفته است. زیمل از اندیشمندانی است که حالات روحی روانی زندگی مردم در کلانشهرها توجه دارد. زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسأله شادی توجه داشته است. از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه‌ی زندگی می‌افتد (زینگرل^۱، ۲۰۰۰: ۴۶۶). وضع زیمل در برابر شادی موضعی دوگانه است؛ از سویی نشاط را به عنوان یک هدف می‌نگرد که آدمی به دنبال آن است، از سویی دیگر شادی را کیفیت عمل و حالتی از ذهن می‌بیند که فرد در ارتباط با خودش دارد (هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۱). به نظر زیمل انسان شهری اهمیتی به مسائل و گرفتاری‌های دیگران نمی‌دهد و نمی‌خواهد خود را درگیر مشکلات دیگران کند. وی بی‌تفاوتی را برای زندگی در شهر لازم می‌داند و معتقد است که این بی‌تفاوتی امکان دارد به صورت یک تعارض محاسبه شده نیز در آید. به نظر او در ناخودآگاه ما به صورت یک حالت بی‌میلی، بیگانگی متقابل و دافعه در می‌آید که پاره‌ای اوقات هم تبدیل به تنفر و جنگ می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). از دیدگاه زیمل وجود محیط اجتماعی بسیار شلوغ در شهر باعث می‌شود که فرد از آنچه در اطرافش می‌گذرد غافل باشد و این ویژگی برای ساکنان شهر ضروری است تا بتوانند عقلانی باشند و انگیزه‌ی انسان‌ها نسبت به مسأله‌ی قیمت و هزینه کاهش می‌یابد. بنابراین فرد در آن دائماً سؤال می‌کند که چه چیز نصیب من می‌شود؟ او از این مباحث به این نتیجه می‌رسد که تنفر و حسابگری، ویژگی خاص زندگی در کلانشهرهاست و در این محیط مردم نمی‌توانند نسبت به هم خیلی حساس و نگران باشند؛ به همین دلیل ساکنان شهر باید بتوانند از دل‌مشغولی عاطفی به تمام آنچه در اطرافشان روی می‌دهد اجتناب کنند. بنابراین ساکنان کلانشهرها

^۱. Zingerle

از خود بیگانه‌اند (شارع پور، ۱۳۸۷:۱۲۵). براساس دیدگاه زیمل می‌توان استنباط کرد که مردم درگیر در کلان شهرها، به خاطر اینکه تحت حمله و هجوم محرک‌های فشارزای روحی و روانی و همچنین جسمانی قرار می‌گیرند و آستانه‌ی تحمل و مدارای خود را از دست می‌دهند؛ و بنابراین در پاسخ به این محرک‌ها ناچار است که با بی‌علاقگی به امورات اطرافش و بی‌توجهی به دیگران و در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی برخورد نماید و در این راستا به افراد منزوی، بلازه و سرخورده تبدیل می‌شود.

از طرفی هم نظریه‌ی کیز با تمرکز بر سلامت اجتماعی از دیدگاهی متفاوت و مخالف با بی‌تفاوتی اجتماعی به این موضوع نگاه می‌کند. کیز سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی به عنوان عضوی از آنهاست، تعریف می‌کند. او در یک تحلیل عامل گسترده نشان داد که بهداشت روانی دارای ابعاد هیجانی، روانی و اجتماعی است و با توجه به مفهوم‌پردازی‌های نظری از سلامت اجتماعی یک مدل پنج‌بعدی قابل سنجش ارائه داد. طبق این ابعاد فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماعی را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و دارای بالقوه‌هایی برای رشد و شکوفایی بداند. احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی متعلق به خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن شریک بداند. محتوای مقیاس سلامت اجتماعی وی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجاربش در جامعه است.

جدول شماره ۱ شاخص‌های سلامت اجتماعی با توجه به سطوح تحلیل و پیوستار اندازه‌گیری

(کیز، ۲۰۰۴)

سطوح تحلیل			
پیوستار	فردی	بین فردی	اجتماعی
منفی	بیگانگی و ناهنجاری اجتماعی	پرخاشگری و ناآشنایی با قوانین مدنی	فقر، خودکشی و جرم
مثبت	ابعاد سلامت اجتماعی	مبادله‌ی انواع اعتماد و حمایت اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی و کارآمدی اجتماعی

شاخص‌های سلامت اجتماعی از نظر وی به شرح زیر است:

الف- شکوفایی اجتماعی^۱: دانستن و اعتقاد داشتن به اینکه جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. فکر کردن به اینکه جامعه، پتانسیل رشد به شکل مثبت را دارد. این تفکر که جامعه‌ی پتانسیل خود را به شکل واقعی درمی‌آورد و بالفعل می‌کند. شکوفایی اجتماعی یعنی باور به اینکه اجتماع سرنوشت خویش را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش مسیر تکاملی خود را کنترل می‌کند.

ب- همبستگی اجتماعی^۲: اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. دانستن و علاقه‌مند بودن به جامعه و مفاهیم مربوط به آن.

ج- یکپارچگی اجتماعی^۳: احساس بخشی از جامعه بودن، فکر کردن به اینکه فرد به جامعه تعلق دارد. احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن؛ بنابراین انسجام آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترکی بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی آن‌ها را می‌سازند وجود دارد. (مثل همسایه‌هایشان)

د- پذیرش اجتماعی^۴: داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد، تصدیق کردن دیگران و به طور کلی پذیرفتن افراد با وجود برخی رفتار سردرگم کننده و پیچیده‌ی آن‌ها. پذیرش اجتماعی مصداق اجتماعی از پذیرش خود (یکی از ابعاد سلامت روان) است.

ه- مشارکت اجتماعی^۵: این احساس که افراد چیزهای باارزشی برای ارائه به جامعه دارند. این تفکر که فعالیت‌های روزمره‌ی آن‌ها به وسیله‌ی جامعه ارزش‌دهی می‌شود. بنابراین در این پژوهش مدل نظری براساس دو نظریه‌ی کیز و زیمل تدوین گردیده است و دو نظریه‌ی مذکور بیشترین ابعاد مدل تجربی پژوهش را پوشش می‌دهند. از طرفی زیمل با نگاهی جامعه‌شناسانه و با رویکردی روانشناسی اجتماعی بی تفاوتی اجتماعی را در محیط‌های شهری مورد بررسی قرار داده و از طرفی هم کیز از نگاهی روانشناسانه و در مورد بی تفاوتی اجتماعی از نگاهی بیابینی روانشناسی- جامعه‌شناسی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

مدل تجربی پژوهش

1. Social Actualization

2. Social Coherence

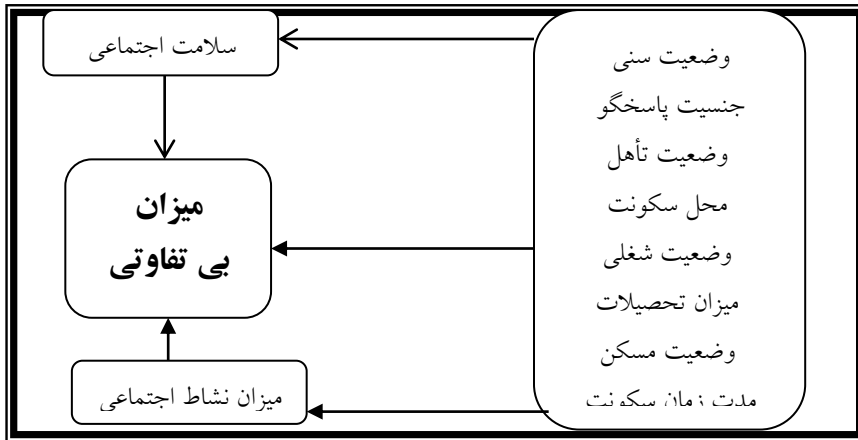
3. Social Integration

4. Social Acceptance

5. Social Contribution

بررسی نگرش‌های گوناگون در ارتباط با متغیر وابسته این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا چشم‌اندازهای تحلیلی خود را وسعت دهد و وجوه گوناگون مسأله‌ی پژوهش را آشکار سازد و در نهایت چارچوب مناسبی برای آن برگزیند.

مدل شماره ۱ مدل تجربی پژوهش



برگرفته از فرایند پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

بین میزان سلامت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بین میزان نشاط اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مدت زمان سکونت بر بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تأثیر معنادار دارد. مشخصات فردی (میزان تحصیلات، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، محل سکونت و نوع منزل مسکونی) بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر معناداری دارند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به کار گرفته شده در این مطالعه، پیمایشی است. از آنجا که جامعه‌ی آماری وسیع بوده و در روش پیمایشی براساس نظرات نمونه‌ای از جامعه‌ی آماری دست به تعمیم می‌زند، بنابراین از پیمایش به عنوان مناسب‌ترین روش استفاده گردید. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر کرمانشاه است. دلیل انتخاب این رده‌ی سنی، درگیر شدن آن‌ها با تغییرات سریع اجتماعی و از طرفی کسانی هستند که در

معروض بیشترین درجه‌ی بی تفاوتی اجتماعی قرار دارند. براساس آمار ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، تعداد جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال ۴۲۰۱۷ نفر است. براساس جدول نمونه‌گیری لین^۱ با خطای کمتر از ۵ درصد، تعداد ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه مشخص شد که برای بالا رفتن روایی و پایایی ابزار پژوهش و همچنین احتمال اینکه تعدادی از پرسشنامه‌ها عودت نگردند، بنابراین ۴۰۰ نفر مبنای حجم نمونه انتخاب گردید. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده به عمل می‌آید. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن نیست، به ناچار باید در ابتدا جامعه‌ی آماری تقسیم شود و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب گردد. بنابراین در مطالعه‌ی حاضر ابتدا خوشه‌های مختلف در شهر کرمانشاه مشخص گردید و سپس با استفاده از روش تصادفی ساده دست به انتخاب نمونه‌ی موجود در هر خوشه زده خواهد شد. مبنای انتخاب خوشه‌ها به این صورت بود که از ۸ منطقه‌ی موجود در شهر کرمانشاه، سه منطقه (منطقه‌ی یک، منطقه‌ی شش و منطقه‌ی منطقه سه) انتخاب گردید. منطقه‌ی یک از مناطق بالای شهر و طبقات مرفه‌نشین تشکیل شده است، منطقه‌ی شماره‌ی شش طبقات میانی و متوسط شهر و منطقه‌ی سه جزو مناطق پایین شهر و نسبتاً حاشیه‌ای شهر هستند. پس از انتخاب مناطق سه‌گانه، سعی گردید از هر منطقه سه زیرمجموعه مورد مطالعه قرار گیرد. در واقع در این مطالعه نه زیرمنطقه بررسی شدند و برای انتخاب نمونه‌ها از هر قسمت به صورت تصادفی نمونه‌ها انتخاب گردیدند.

در پژوهش حاضر از روش ارزیابی اعتبار صوری برای برآورد روایی استفاده گردید. این کار به این صورت انجام شد که پس از طراحی گویه‌های طیف‌های مربوطه در اختیار استادان راهنما و مشاور قرار گرفت. توافق نظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. در زمینه‌ی پایایی ابزار پژوهش نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده به عمل آمد. این تکنیک آماری سعی دارد هماهنگی درونی گویه‌های مربوط به هر متغیر را مورد سنجش قرار دهد. مقدار آلفای کرونباخ برای سلامت اجتماعی با ۵ گویه برابر ۰/۶۸ و برای نشاط اجتماعی با ۱۰ گویه برابر ۰/۸۹ و همچنین برای بی‌تفاوتی اجتماعی با ۱۹ گویه برابر ۰/۸۳ به دست آمد.

^۱. Lin

از نتایج چنین استنباط می‌شود که با توجه به مقدار آلفای به دست آمده برای هر یک از گویه‌ها می‌توان گفت میزان هماهنگی درونی برای هر یک از متغیرها در حد قابل قبولی بوده و دارای پایایی هستند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

بی تفاوتی: بی تفاوتی اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که طی آن، افراد به واسطه عدم اتصال ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) با جامعه (همنوعان، نهادها و ساختارهای اجتماعی)، با بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی به واقعیت‌های پیرامون از انجام مشارکت اجتماعی-سیاسی، مسؤولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۸). بی تفاوتی در این پژوهش با استفاده از ۱۹ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش گردید، به نحوی که به گزینه‌ی کاملاً موافق کد ۵، به گزینه‌ی موافق کد ۴، به گزینه‌ی بی‌نظر کد ۳، به گزینه‌ی کم کد ۲ و به گزینه‌ی خیلی کم کد ۱ تعلق گرفت.

نشاط اجتماعی: فرایندی است که آثار جسمی و روانی زیادی را به جا می‌گذارد و به عنوان یک ویژگی همراه یا انرژی سازنده که توانایی‌هایی فراوانی در انسان ایجاد می‌کند نگریسته می‌شود. احساس نشاط به احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود (آرگایل^۱، ۲۰۰۰: ۸؛ لیاقتدار و همکاران، ۱۳۸۷). این متغیر با استفاده از ۱۰ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش می‌شود به نحوی که به گزینه‌ی کاملاً موافق کد ۵، به گزینه‌ی موافق کد ۴، به گزینه‌ی بی‌نظر کد ۳، به گزینه‌ی کم کد ۲ و به گزینه‌ی خیلی کم کد ۱ تعلق می‌گیرد.

سلامت اجتماعی: کبیز سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که وی به عنوان عضوی از آنهاست تعریف می‌کند (کبیز، ۲۰۰۴: ۱۲۵). این متغیر در ابعادی چون انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی سنجیده می‌شود (حاتمی، ۱۳۸۸). این متغیر با استفاده از ۵ گویه

^۱ . Argyle

در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش می‌شود به نحوی که به گزینه‌ی کاملاً موافق کد ۵، به گزینه‌ی موافق کد ۴، به گزینه‌ی بی‌نظر کد ۳، به گزینه‌ی کم کد ۲ و به گزینه‌ی خیلی کم کد ۱ تعلق می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های این پژوهش حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۴۰۰ نفر از جوانان شهر کرمانشاه تکمیل گردید و اساس تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پس از پایان یافتن گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها استخراج و آن‌گاه به کامپیوتر انتقال یافتند و سپس با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها متناسب با سطوح سنجش متغیرها انجام گرفت. جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان را برحسب جنسیت و وضعیت تأهل افراد نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که ۵۴/۳ درصد از کل پاسخگویان را مردان و ۴۳/۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. می‌توان چنین استنباط کرد که بیش‌ترین تعداد پاسخگویان مرد هستند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد ۲۲۰ نفر از پاسخگویان مجرد و ۱۶۲ نفر متأهل یا ۵۵/۰ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۰/۵ درصد از آن‌ها متأهل هستند. نتایج نشان می‌دهد که بیش‌ترین درصد و تعداد پاسخگویان را افراد مجرد تشکیل می‌دهند.

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت و وضعیت تأهل

جنسیت پاسخگو	فراوانی	درصد فراوانی	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۲۱۷	۵۴/۳	مجرد	۲۲۰	۵۵/۰
زن	۱۷۲	۴۳/۰	متأهل	۱۶۲	۴۰/۵
بدون جواب	۱۱	۲/۸	بدون جواب	۱۸	۴/۵
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰	کل	۴۰۰	۱۰۰/۰

جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان را برحسب عنوان وضعیت شغلی و مالکیت منزل مسکونی افراد نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ۲۱/۳ درصد دارای شغل دولتی و ۳۹/۸ درصد شغل آزاد و ۳۲ درصد بیکار هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۲۱/۸ درصد پاسخگویان دارای منازل شخصی، ۳۷/۰ درصد در منازل اجاره‌ای، ۷/۰ درصد در منازل سازمانی، ۲۷/۸ درصد در منازل آپارتمانی زندگی می‌کنند.

جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت شغلی و مالکیت منزل مسکونی

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد فراوانی	مالکیت منزل مسکونی	فراوانی	درصد فراوانی
دولتی	۸۵	۲۱/۳	شخصی	۸۷	۲۱/۸
آزاد	۱۵۹	۳۹/۸	اجاره‌ای	۱۴۸	۳۷/۰
بیکار	۱۲۸	۳۲/۰	سازمانی	۲۸	۷/۰
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰	آپارتمانی	۱۱۱	۲۷/۸

جدول ۴ توزیع فراوانی پاسخگویان را برحسب محل تولد افراد نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که ۷۹/۰ درصد از پاسخگویان در شهر، ۱۲/۵ درصد آن‌ها در روستا و ۱/۵ درصد آن‌ها در مناطق عشایری متولد شده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که بیشتر افراد در شهر متولد شده‌اند.

جدول ۴ توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب محل تولد

محل تولد	فراوانی	درصد فراوانی
شهر	۳۱۶	۷۹/۰
روستا	۵۰	۱۲/۵
عشایر	۶	۱/۵
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰

جدول ۵ توزیع سنی، میزان تحصیلات و مدت زمان سکونت در کرمانشاه را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین سن پاسخگویان برابر ۲۴/۳۷، میانگین مدت سکونت پاسخگویان در شهر کرمانشاه ۲۲ سال و میانگین میزان تحصیلات پاسخگویان ۱۴ کلاس است.

جدول ۵ توزیع پاسخگویان برحسب خصوصیات زمینه‌ای

نام متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سن پاسخگو	۳۹۰	۲۴/۳۷	۵/۶	۱۸	۲۹
مدت زمان سکونت در شهر کرمانشاه	۳۴۹	۲۲/۴۸۱۴	۷/۳۱۵۴۹	۱/۰۰	۶۰/۰۰
میزان تحصیلات	۳۸۷	۱۴/۲۹۷۵	۲/۹۵۰۷۳	۱/۰۰	۲۲/۰۰

جدول شماره‌ی ۶ توزیع متغیرهای اصلی پژوهش را بر حسب شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان برابر ۵۹/۶۵ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار برابر ۵۷ است. می‌توان چنین استنباط کرد که میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان بالاتر از میانگین مورد انتظار قرار دارند. میانگین میزان نشاط اجتماعی جوانان برابر ۳۱/۵۱ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار که برابر ۳۰ می‌باشد؛ نسبتاً برابر است. می‌توان چنین استنباط کرد که میانگین میزان نشاط اجتماعی جوانان در حد میانگین مورد انتظار قرار دارند. میانگین میزان امید به آینده‌ی جوانان برابر ۲۰/۱۱ است. این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار که برابر ۲۱ است؛ نسبتاً پایین است. می‌توان چنین استنباط کرد که میانگین میزان امید به آینده‌ی جوانان از میانگین مورد انتظار در حد پایین تری قرار دارند.

جدول شماره ۶ توزیع متغیرهای اصلی بر حسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	انحراف معیار	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیش‌ترین
میزان سلامت اجتماعی	۱۶/۴۹	۳/۵۱۹۹۲	۱۵	۷/۰۰	۲۵/۰۰
میزان نشاط اجتماعی	۳۱/۵۱	۸/۳۱۹۲۵	۳۰	۱۰/۰۰	۵۰/۰۰
میزان بی‌تفاوتی اجتماعی	۵۹/۶۵	۶/۲۳۲۸۳	۵۷	۳۳/۰۰	۶۸/۰۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول شماره‌ی ۷ ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان را نشان می‌دهد. در این جدول فرضیه‌هایی که با ضریب همبستگی پیرسون آزمون شده اند، بیان شده‌اند:

فرضیه ۱: بین میزان سلامت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه‌ی وجود دارد. براساس یافته‌های به دست آمده، سلامت اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان دارای رابطه‌ی معناداری ($r = -0.136$) است. نتایج نشان می‌دهد که داشتن احساس خوب به

زندگی و رضایت از زندگی از احساس خمودگی، پژمردگی و بی تفاوتی جلوگیری می کند.

فرضیه ۲: بین میزان نشاط اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد. براساس یافته‌های به دست آمده، نشاط اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان دارای رابطه‌ی معناداری ($T=-/۱۱۴$) است. می توان استنباط کرد که داشتن عواطف مثبت و رضایتمندی افراد از زندگی، سرزندگی و بشاش بودن به افراد نوعی سعه‌ی صدر داده و نه تنها تحمل آن‌ها را در برابر ناملایمات بالا می برد؛ بلکه سعی می کنند حلال مشکلات و مسائل دیگران هم باشند.

جدول شماره ۷ همبستگی بین میزان سلامت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معناداری	نتیجه فرضیه
سلامت اجتماعی	۱۶/۴۹	۳/۵۱	-/۱۳۶	۰/۰۱۲	تأیید فرضیه
نشاط اجتماعی	۳۱/۵۱	۸/۳۱	-/۱۱۴	۰/۰۳۷	تأیید فرضیه

آزمون رگرسیون چندگانه

در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام به گام استفاده به عمل آمد. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می شوند و متغیرهایی که تأثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند، خارج از معادله قرار می گیرند. نتایج مندرج در جدول شماره ۸ نشان می دهند که در این معادله دو متغیر میزان سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی وارد شدند. آزمون T نشان می دهد که ضریب بتا برای این دو متغیر در سطح معناداری قرار دارد. اولین متغیری که در این معادله‌ی رگرسیونی وارد شد، میزان سلامت اجتماعی وارد معادله گردید، مقدار T برای این متغیر برابر $(T=-۴/۰۹)$ و ضریب معناداری $(Sig.T= ۰/۰۰۰)$ است. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=۰/۰۶$ به دست آمد. در گام دوم با وارد شدن میزان نشاط اجتماعی مقدار T برابر $(T= ۳/۳۰۱)$ و ضریب معناداری $(Sig.T= ۰/۰۰۱)$ است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2= ۰/۰۹۸$ به دست آمد. این دو متغیر روی هم رفته توانستند مقدار ۰/۳۱ از تغییرات درونی متغیر میزان بی تفاوتی را تبیین کنند.

جدول شماره ۸ تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر میزان بی‌تفاوتی

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	R ²	آزمون فیشر	معناداری
۱	سلامت اجتماعی	-۰/۲۱	-۰/۱۲	-۲/۲۱	۰/۰۲۸	۰/۱۴	۵/۶۴	۰/۰۰۴
	نشاط اجتماعی	-۰/۱۷	-۰/۱۲	-۲/۱۲	۰/۰۳۳	۰/۱۸		
Constant=۵۸/۱۲								

بر این اساس معادله رگرسیون چند متغیره در پژوهش حاضر به این صورت است:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

میزان بی‌تفاوتی = $-۰/۲۱$ (سلامت اجتماعی) + $-۰/۱۷$ (میزان نشاط اجتماعی) + e_i

در این پژوهش برای آزمون مدل تجربی پژوهش از تحلیل مسیر استفاده می‌شود. تحلیل مسیر این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل را بسنجد. برای رسم مدل مسیر از ضرایب بتای متغیرهایی استفاده شده است که مقدار T آن‌ها در سطح معناداری قرار دارد. همان‌طور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود، سلامت اجتماعی با ضریب مسیر $-۰/۱۴$ بیش‌ترین تأثیر مستقیم و معکوس بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان در این مدل دارد. با توجه به اثرات مستقیم حاصل‌شده برای متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته می‌توان اذعان کرد که متغیر تحصیلات دارای بیشترین میزان اثر تبیین‌کننده‌ی واریانس غیرمستقیم متغیر وابسته هستند. برای تعیین اثرات غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرایبی که در امتداد آن مسیر قرار گرفته‌اند را در هم ضرب می‌کنیم. در زیر به محاسبه‌ی اثرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان پرداخته شده است.

$$= \{(-۰/۱۴) \times (-۰/۱۴) + (۰/۱۵) \times (-۰/۱۴)\} = (-۰/۰۲۲) + (-۰/۰۲۱) = (-۰/۰۴۳)$$

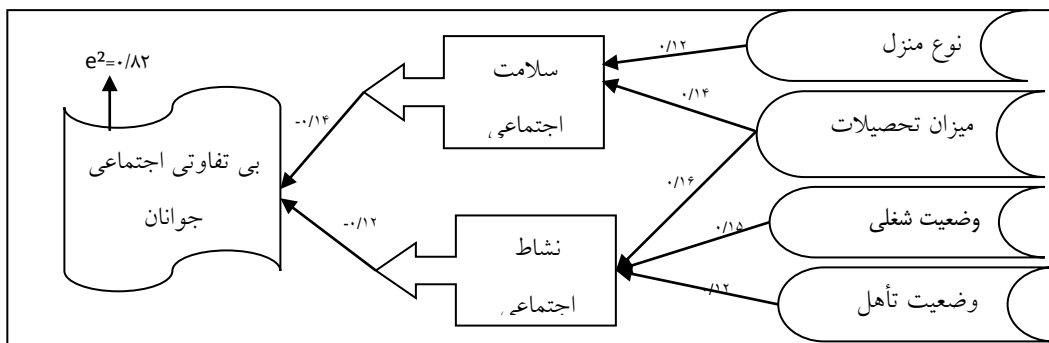
تحصیلات

$$= \{(-۰/۱۴) \times (۰/۱۲)\} = -۰/۰۱۷$$

$$= \{(-۰/۱۲) \times (۰/۱۵)\} = -۰/۰۱۸$$

$$= \{(-۰/۱۲) \times (۰/۱۲)\} = -۰/۰۱۴$$

مدل شماره ۲ مدل تحلیل مسیر



بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این مطالعه، شناخت رابطه بین سلامت و نشاط اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان شهر کرمانشاه بود. موضوع بی تفاوتی زائیده طیف زیادی از عوامل و بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. یکی از این زمینه‌ها و عوامل سلامت و نشاط اجتماعی شهروندان است. آن چه از نتایج پژوهش حاضر برمی‌آید، این است که میانگین بی تفاوتی اجتماعی جوانان بالاتر از حد متوسط است؛ یعنی آنجایی که انتظار می‌رفت میانگین واقعی ۵۷ باشد اما نزدیک ۶۰ به دست آمده است و نشان از وجود بی تفاوتی اجتماعی میان جوانان است. این نتیجه آن چیزی را که آبرل آن را نفرت و بیزارى و تشدیدکننده تضاد میان گروه‌ها و قومیت‌های مختلف اجتماعی می‌داند. اگر انسان برابر دیگران احساس مسئولیت نکند و خودمدار باشد، دچار نوعی بی مسئولیتی و بی تفاوتی اجتماعی می‌شود. اینکه بی تفاوتی اجتماعی در این مطالعه بالا است، عوامل و زمینه‌های متعددی در این راستا تاثیرگذار هستند، اما این پژوهش متمرکز بر دو عامل سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی شهروندان است که به تفصیل بیان شده است:

فرضیه ۱: بین میزان سلامت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

براساس یافته‌های به دست آمده، سلامت اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان دارای رابطه‌ی معناداری است. به این معنا که با افزایش سلامت اجتماعی، میزان بی تفاوتی

اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. نتایج حاصل بیانگر این است که با افزایش میزان انسجام اجتماعی شهروندان، میزان پذیرش آن‌ها از طرف شبکه‌ی اجتماعی و سایر شهروندان، میزان رشد شکوفایی، میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های جمعی و اجتماعی و انطباق اجتماعی که از شاخص‌های اساسی سلامت اجتماعی هستند. کیز معتقد است که اگر فرد شرایط دو بعد سلامت احساسی (احساس خوب و رضایت از زندگی) و بعد کارکرد مثبت را داشته باشد، از سلامت روانی برخوردار است. افراد بی‌تفاوت، احساس خوبی به زندگی ندارند و کارکرد روانی و اجتماعی‌شان مشکل دارد. این افراد دچار یأس و نومیدی بوده و زندگی خود را پوچ و خالی می‌بینند.

فرضیه ۲: بین میزان نشاط اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

براساس یافته‌های به دست آمده، نشاط اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان دارای رابطه‌ی معناداری است. به این معنا که با افزایش نشاط اجتماعی، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. نشاط اجتماعی دارای اثرات و آثاری چند بر زندگی شهروندان و جامعه بوده که می‌تواند حس تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وفاق اجتماعی، افزایش رضایت از زندگی یا رضایت شغلی، پویایی اجتماعی، کاهش هزینه‌های مردم، افزایش امید در جامعه، ارتقاء کیفیت زندگی، افزایش خلاقیت و نوآوری، کاهش آسیب‌های اجتماعی (خصوصاً در جوانان) به وجود آورد. بدون شک در چنین محیطی امنیت اجتماعی و فردی راحت‌تر به دست می‌آید. در راستای کاهش بی‌تفاوتی و افزایش نشاط اجتماعی می‌توان گفت تقویت شبکه‌های اجتماعی، تشویق عضویت در آن‌ها و همچنین تقویت شبکه‌های مروج شادی می‌تواند در توسعه نشاط اجتماعی مؤثر باشد؛ نهادهای ذی‌ربط با تقویت بحث شادی آگاهانه در جامعه شامل فعالیت‌های رفتاری (ورزش، محبت به دیگران، حضور در اجتماع)، شناختی (تفکر مثبت، توجه به مواهب) و فعالیت‌های داوطلبانه (تلاش و کوشش، مساعی در تحقق اهداف) نشاط مثبت اجتماعی را سبب گردند و بدین ترتیب زمینه‌های کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی را به وجود آورند. ارتقای نشاط اجتماعی در کلانشهرها منجر به برخورداری شهروندان از رفتارها و عملکردهای مثبت، تقویت رفتارهای مسئولیت‌پذیرانه، خودکارآمدی و اجرای تعهدات و پیمان‌ها در میان شهروندان، گسترش

حس تعلق به هویت شهروندی و انسجام اجتماعی می شود (صفاری نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۹). شایسته است مدیران شهری در خصوص رفع آسیب های اجتماعی شهر، افزایش شادی شهروندان و ساماندهی مناسبت های شادی در جامعه، جدی تر ببانندیشند. باید در شهروندان بویژه نسل جوان، روحیه نشاط و شادی ایجاد کنند و آن را ارتقاء دهند تا انرژی آنان در برای ساختن آینده ی کشور هدایت شود.

هر اقدامی که بتواند موجب افزایش سطح تعاملات اجتماعی شهروندان شود، مفید است. گسترش فضاهای فرهنگی در شهرها مانند کتابخانه ها و تشویق شهروندان به مطالعه، رویکرد به ادبیات و هنر، شعر و موسیقی، گسترش فرهنگ محبت ورزی کلامی و تقویت روحیه همکاری و یاری رساندن به همشهریان، استفاده از رنگ های شاد در طراحی محیط شهری، فضا سازی و نقاشی خیابان ها نمونه هایی از فعالیت هایی است که نشاط اجتماعی شهروندان را افزایش و از طرفی کاهش بی تفاوتی اجتماعی را به بار می آورد.

مشکلات زندگی شهری باید با مشارکت خود مردم و فرهنگ سازی در میان آنان حل و فصل شود و افرادی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند بیشتر مراقب سلامت جسمی و روحی خود باشند تا مشکلات آنان را افسرده، مضطرب و بیمار نکند. تخلیه ی فشارهای روحی و روانی ساکنان کلان شهرها با تأمین نیازهای ضروری و حیاتی آنان امکان پذیر است. ساکنان شهرهای بزرگ به غیر از تأمین نیازهای اقتصادی خود نیاز به تفریح، ورزش و آرامش دارند و لازم است که در مناطق مختلف شهر یا حتی خارج از شهرها مکان ها و بوستان هایی برای تفریح و گردش شهروندان در نظر گرفته شود تا از فشار مشکلات عصبی و روحی و روانی کاسته شود چرا که در غیر این صورت زیان های ناشی از فشارهای روحی و روانی شهروندان گریبان گیر مسئولان دولتی را خواهد گرفت و دولت باید در سایر بخش ها هزینه های آن را بپردازد.

منابع

- احمدی، سیروس. (۱۳۸۸). بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره‌ی دوم، صص ۸۷-۱۰۸.
- آخشی، نازیلا و فاطمه گلابی. (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی، *مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره‌ی ۲۶، شماره‌ی ۳، صص ۱۳۹-۱۶۰.
- ایمان، محمد تقی و مرادی، گل‌مراد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان شیراز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره‌ی ۳۳، پیاپی دوم، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شادی*، ترجمه‌ی: م. گوهری انارکی، ح. نشاط‌دوست، ح. پالاهنگ دف. بهرامی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بخارایی، احمد؛ محمدحسن شربتیان و پویا طوافی. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه نشاط با سلامت اجتماعی (جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان ملایر)، *فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره‌ی ۲۵، صص ۱-۳۹.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.
- حاتمی، پریسا. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی*، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۲)، جوانان شهروندی و ادغام اجتماعی، *فصلنامه مطالعات جوانان*، دوره ۳، شماره ۴، صص ۳۵-۵.
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۴). «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره‌ی ۱۱۰، صص ۵۴-۶۳.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- زارعی متین، حسن، احمدی زهرانی و زلفا حق‌گویان. (۱۳۸۸). نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی، *مجله‌ی فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۲، صص ۴-۲۷.
- زیمل، گئورک. (۱۳۷۲). *کلانشهر و حیات ذهنی*، ترجمه‌ی یوسف ابادری، تهران، *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، جلد دوم، شماره‌ی سوم، صص ۵۳-۶۶.

-زیمیل، گئورگ. (۱۳۹۳). درباره فردیت و فرم های اجتماعی، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ثالث.

-شارع پور، محمود. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری، تهران، انتشارات سمت.

-صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی شهری، تهران، نشر علمی.

-صفاری نیا، مجید. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روانشناسی شهری، جلد اول، تهران، انتشارات تیسرا.

-طریقه دار، ابوالفضل. (۱۳۷۹). شرع و شادی (دیدگاه‌های فقهی درباره‌ی شادی، رقص، دست زدن)، قم: موسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی حضور.

-علمدار، فاطمه السادات، محمد رضا جوادی یگانه و جبار رحمانی. (۱۳۹۷). فرایند خلق بی تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره‌ی نهم، شماره اول، صص. ۱۶۵-۱۹۰.

-عنبری، موسی؛ سارا، غلامیان. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی

اجتماعی، نشریه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲، صص. ۱۳۳-۱۵۹.

-قاضی زاده، هورامان؛ مسعود، کیانپور. (۱۳۹۳). بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی اول، صص ۷۸-۵۹.

-کریمی، یوسف. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.

-کلاتتری، صمد و ادیبی، مهدی و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه‌ی ایران و عوامل مؤثر بر آن، دوماهنامه‌ی علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲۲، صص ۲۷-۳۶.

-گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر مرکز.

-لیاقتدار، محمدجواد؛ عابدی، محمدرضا؛ جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). هنجاریابی سیاهه‌ی شادکامی فوردایس - اصفهان در دانشجویان، مجله‌ی روانشناسی، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۴۶)، صص ۱۸۳-۱۹۶.

-مازلو، آبراهام. (۱۳۸۱). زندگی در اینجا و اکنون: هنر زندگی متعالی، ترجمه‌ی مهین میلانی، تهران: نشر فرا روان.

- مجیدی، امیر. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج در سال ۱۳۹۰، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- محسنی تبریزی، علیرضا مجتبی، صداقتی فرد. (۱۳۹۰). بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره‌ی پیاپی (۴۳)، شماره سوم، صص ۱-۲۲.
- مسعود نیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، *مجله‌ی سیاسی اقتصادی*، شماره‌ی ۱۶۷ و ۱۶۸، صص ۱۵۲-۱۶۵.
- میرزاپوری، جابر (۱۳۹۵). *بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- نوابخش، مهرداد و مرزآپوری ولوکلا. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل)، *مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران*، دوره ۵ هفتم، شماره‌ی سوم، صص. ۵۳-۶۷.
- نیک ورز؛ طیبه و یزدان پناه، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه‌ی عوامل اجتماعی با سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، *مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره‌ی ۲۶، شماره‌ی ۳، صص ۹۹-۱۱۶.
- هزار جریبی، جعفر و سجاد مرادی. (۱۳۹۳). نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال پانزدهم، شماره‌ی چهارم، صص ۳-۲۶.
- هولاب، رابرت. (۱۳۷۸). *نقد در حوزه‌ی عمومی*، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Dean, Dwight G. (1960), Alienation and Political Apathy, **Social Forces**, Vol. 38, No. 3, pp. 185-189.
- Gale, P. (2004). The refugee crisis and fear: Populist politics and media discourse. **Journal of Sociology**, 40(4), 321-340. doi:10.1177/1440783304048378.
- Jessica M. F. and Lindsay C. K. (2018). Social isolation and loneliness in later life: A parallel convergent mixedmethods case study of older adults and their residential contexts in the Minneapolis metropolitan area, USA, **Social Science & Medicine**, Vol. 208 pp. 25-33.
- Keyes Corey L & Shapiro Adam D. (2004) **Social Well-Being in the United States: A. Social support, personality and health**. In M. Janniss (Ed.). Individual differences, stress and health psychology. Springer-Verlag.

- Keyes Corey L. M. (2006) Mental health in adolescence: Is America's youth flourishing? **American journal of orthopsychiatry**, Vol. 76, No.3, pp. 395-402.
- Larson, J. (1993) "The Measurement of Social Well-Being", **Social Indicators Research**, Vol. 28, pp. 285-296.
- Murty, J.; Paneb, M. (2013). Apathy towards Environmental Issues, Narcissism, and Competitive View of the World, *Procedia*, **Social and Behavioral Sciences**, Vol. 101, pp. 44 – 52.
- Oishi Sh. Kyungkoo, M. Akimoto, Sh.(2010). Culture, Interpersonal Perceptions and Happiness in Social Interactions. **Pres Soc Psuchol Bull**. Vol. 34, No. 3 pp. 307-320.
- Pickering, S., & Lambert, C. (2001). Immigration detention centres, human rights and criminology in Australia. **Current Issues in Criminal Justice**, 3(2), 219–223.
- Rubin M.; Badea C.; Condie J.; Mahfud Y.; Morrison T.; Peker M. (2017). Individual differences in collectivism predict city identification and city evaluation in Australian, French, and Turkish cities, **Journal of Environmental Psychology**, Vol. 50, pp. 9-16.
- Zingerle, A. (2000 **Descriptive Epidemiology**. In Brim, Orville Gilbert; Ryff, Carol D. and Kessler, Ronald C. (Eds) *How Healthy Are We? A National Study of Well-Being at Midlife*. U.S. University of Chicago Press.

